

پندار و گفتار و کردار مسیح

ی می گذشت، کور مادرزادی را دید. شاگردانش از
ت گناه کی بود که این مرد، نابینا به دنیا آمد؟ خود
"نه از گناه خودش بود و نه از
گناه والدینش بلکه تا در وجود او کارهای خدا آشکار گردد. تا وقتی روز است باید
کارهای فرستنده ام را به انجام رسانم. وقتی شب فرا می رسد کسی نمی تواند کار
وقتی این را گفت آب دهانش را به
زمین انداخت و با آن گل ساخت و گل را به چشمان کور مالید و به او
پس رفت و شست و با

(یوحنا باب ۹).

۱ - مسیح و روز سبت

پس همسایگان و کسانی که او را در وقتی که گدائی می کرد
"آیا این همان شخص نیست که می نشست و گدائی میکرد؟"
"نه این شخص به او

"

"شخصی که اسمش عیسی

است گل ساخت و به چشمان من مالید و به من گفت که به حوض سیلوحا بروم و

آنها

"نمی دانم."

نابینا بود نزد فریسیان بردند، زیرا عیسی در روز

سبت (شنبه) گل ساخته و چشمان او را باز کرده بود. در این وقت

فریسیان از او پرسیدند که چگونه بینا شده است. آن مرد به آنان گفت،

عده ای از

"این شخص از جانب خدا نیست چون قانون سبت را رعایت نمی

و

در میان آنان دو دستگی به وجود آمد.

"نظر تو در باره آن

"او یک پیامبر

ولی یهودیان باور نمیکردند که آن مرد کور بوده بینائی خود را باز

"آیا این

مرد پسر شما است؟ آیا شهادت می دهید که کور به دنیا آمده است؟ پس چگونه

"ما می دانیم که او

ا نمی دانیم چگونه می تواند
بیند یا کی چشمان او را باز کرده است. از خودش پرسید، او بالغ است و حرف
والدین او چون از یهودیان می ترسیدند این طور جواب
توافق کرده بودند که هر کس اقرار کند که
عیسی، مسیح است او را از کنیسه اخراج نمایند. از این جهت والدین آن
"از خودش پرسید، او بالغ است."

کور بود احضار کرده گفتند،
"سوگند یاد کن که حقیقت را خواهی گفت. ما می دانیم که این شخص گناهکار
"اینکه او گناهکار است یا نه من نمی دانم فقط یک
"با تو چه کرد؟ چگونه
"من همین حالا به شما گفتم گوش ندادید.

پس به

"خودت شاگرد او هستی، ما شاگرد موسی هستیم. ما
می دانیم که خدا با موسی سخن گفت ولی در مورد این شخص ما نمی دانیم که
"چیز عجیبی است که شما
نمی دانید او از کجا آمده است در حالی که چشمان مرا باز کرده است. همه می
دانیم که خدا دعای گناهکاران را نمی شنود ولی اگر کسی خدا پرست باشد و اراده
خدا را بجا آورد، خدا دعاها را می شنود. از ابتدای پیدایش عالم دیده نشده که

کسی چشمان کور مادرزادی را باز کرده باشد. اگر این مرد از جانب خدا نیامده
د شده ای، به ما

و بعد او را از کنیسه بیرون انداختند.

قتی عیسی شنید که او را از کنیسه بیرون کرده اند او را پیدا کرد و
"ای آقا، کیست

"تو او را دیده ای و او همان کسی

و در مقابل

عیسی سجده کرد.

آن شخص کور مادرزاد نه فقط بینائی جسمی بلکه بینش روحانی خود
را باز یافت. علی رغم آن مرد بسیاری چشم داشتند و در عالم مادی
ی کور بودند.

ت کثیری خارج می شد،

سر راه دو نفر کور کنار جاده از عابرین تقاضای کمک میکردند. چون
"ای آقا، ای

عیسی ایستاد و آن دو مرد را صدا کرده پرسید،

"ای آقا ما می خواهیم که چشمان

بینائی

خود را باز یافتند و به دنبال او رفتند (متی ۲۰:۳۲-۳۴). این دفعه
بدون گل و شستن، چشمانشان را لمس کرد و بینا شدند. به اذن خدا

شفا یافتند. قدرت گفتار

او همچون قدرت کردار وی بود چون اصل پندارش نیکو و صحیح بود.

۲ - مسیح و حکومت وقت

فریسیان نقشه کشیدند که چطور عیسی را با سخنان خودش به دام بیندازند. آنها چند نفر از پیروان خود را به اتفاق عده ای از هواداران "ای استاد، ما می دانیم که تو مرد

هی نداری و راه خدا را بدون بیم و هراس

از انسان، با راستی تعلیم می دهی، پس به ما بگو عقیده تو در این باره چیست؟ آیا

عیسی به نیرنگ آنان پی برد و

ه ای را که با

ه نقره به او

"مال

"پس آنچه را که مال قیصر است به قیصر و آنچه

آنها که از این پاسخ مات و مبهوت مانده

بودند از آنجا بلند شده رفتند و عیسی را تنها گذاشتند. (متی

۱۵:۲۲-۲۲).

گفتار مسیح هم حکمت وی را نشان می دهد و هم روش مؤمنین را

ذکر می کند که امروز نیز ما موظفیم دین مالیاتی خود را به حکومت

وقت با امانت و درستی بپردازیم و در ضمن قرض خود را نسبت به خدا

نیز فراموش نکنیم.

۳ - مسیح و ملکوت آسمانی

روزی عیسی از خانه خارج شد و به کنار دریا رفت و در آنجا نشست. جمعیت زیادی به دور او جمع شدند به طوری که او مجبور گردید سوار قابی شده در آن بنشیند در حالی که مردم در ساحل دریا ایستاده بودند. "برزگری برای

پاشیدن بذر به مزرعه رفت. وقتی مشغول پاشیدن بذر در مزرعه بود بعضی از دانه ها در وسط راه افتادند و پرندگان آمده آنها را خوردند. بعضی از دانه ها روی سنگلاخ ها و وقتی خورشید بر آنها تابید

همه سوختند و چون ریشه نداشتند خشک شدند. بعضی از دانه ها به داخل خارها افتادند و خارها رشد کرده آنها را از بین بردند. بعضی از دانه ها در خاک خوب

(متی ۱۳: ۸-۱۰)

"پس معنی مثال برزگر را بشنوید: وقتی شخصی مژده پادشاهی خدا را می‌شود ولی آن را نمی‌فهمد شیطان می‌آید و آنچه را که در دل او کاشته شده می‌رباید. این بذری است که در وسط راه افتاده بود. دانه ای که در سنگلاخ می‌افتد مانند کسی است که تا پیام را می‌شنود با شادی می‌پذیرد، ولی در او ریشه نمی‌گیرد و دوام نمی‌آورد. پس وقتی به سبب آن مژده دلسرد می‌شود. دانه ای که به داخل خارها افتاد

ا نگرانیهای زندگی و عشق به پول آن پیام را خفه میکند و ثمر نمی آورد و دانه کاشته شده در زمین خوب به کسی می ماند که پیام را می شنود و آن را می فهمد و صد یا شصت و یا سی برابر ثمر به بار (متی ۱۳:۱۸-۲۳).

همه مردم مثل هم نیستند. همه حقیقت را نمیپذیرند. بعضیها از حقیقت خوششان می آید ولی چون با شکنجه روبرو می شوند یا با ه میگردند یا زر و زیور جهان را می بینند از حقیقت روگردان می شوند.

۴ - مسیح و ماتم زدگان

مسیح انسان دوست بود و از ناراحتی آنان محزون می شد. یک روز با شاگردانش وارد شهر نائین می شدند با عده زیادی که در تشییع جنازه یگانه پسر بیوه زنی شرکت کرده بودند بر خورد نمودند. مسیح به مادر و بعد نزد تابوت رفته به مرده امر فرمود که بلند شود و با حیرت تمام حضار جوان از جای خود برخاست و او را به مادرش سپرد و همه دسته جمعی خدا را شکر کنان به نائین برگشتند. (لوقا ۷:۱۱-۱۸).

بعد از قیام مسیح هنگامی که می خواست به آسمان صعود کند دو "ای مردان جلیلی، چرا اینجا ایستاده اید و به آسمان نگاه می کنید؟ همین عیسی که از پیش شما به آسمان بالا برده شد، همان طوری

(کارهای

ط فرشتگان به ایمانداران رسانید

بسیار ارزنده است. گفتند "همین عیسی" - یعنی همین عیسی که نزد

ت را زنده کرد، همین عیسی که چشمان کوران را

لمس نموده و بینا کرد، همین عیسی که ایمانداران را دستور داد مالیات

درست به حکومت وقت بپردازند، همین عیسی دوباره بازگشت خواهد

ت

را نابود خواهد کرد. مردگان قرنهای گذشته را به حیات جاویدان دعوت

خواهد کرد.

پس از روز پر مشغله ای که گذرانیده بود کنار دریای جلیل عیسی به

ت را ترک کردند

او را با همان قایقی که در آن نشسته بود بردند و قایقهای دیگری هم

همراه آنها بود. توفان شدیدی برخاست و امواج را به قایق میزد به

طوری که نزدیک بود قایق از آب پر شود. در این موقع عیسی در عقب

قایق سر خود را روی بالشی گذارده خوابیده بود، او را بیدار کردند و به

او

"ساکت و آرام شو."

"چرا این

آنها وحشت زده به یکدیگر می

(مرقس)

(۴۱-۳۵:۴).

آری آب و باد آواز مقتدر مسیح را شناختند و مطیع شدند. همین کلمه الله بود که دنیا را به وجود آورد و آسمان و دریا و فضا را آفرید و هنگامی که خالق می فرماید، طبیعت هم او را اطاعت می کند.

۵ - مسیح و گمشدگان

لی راجع به کسی بود که صد رأس گوسفند داشت و یکی از آنها گم شده بود. در شب تاریک به بیابان رفته کوهستان خطرناک را در نور دید تا گوسفند گمشده را پیدا کرد. "با من شادی

منظورش این بود که به همان

طریق برای یک گناهکار که توبه می کند در آسمان بیشتر شادی و سرور خواهد بود تا برای نود و نه شخص پرهیزکار که نیازی به توبه ندارند. (لوقا ۱۵:۷).

۶ - مهریه اش را گم

کرده بود. او چراغی روشن کرده خانه را می روئید و هر گوشه ای را به ای را که گم کرده بود به دست آورد. مدتی بعد دوستان و همسایگان خود را فرا خوانده و کاری را که کرده بود بآنان "با من شادی کنید، پولی را که گم کرده بودم پیدا کردم. به همان

طریق بدانید که برای یک گناهکاری که توبه می کند در میان فرشتگان خدا شادی

(لوقا ۱۵: ۹ و ۱۰).

م راجع به پسر گمشده ایست. مردی بود که دو پسر داشت.

پس پدر

دارائی خود را بین آن دو تقسیم کرد. چند روز بعد پسر کوچک تمام سهم خود را به پول نقد تبدیل کرد و رهسپار سرزمین دوردستی شد و در آنجا دارائی خود را در اثر عیاشی به باد داد. وقتی تمامی آن ثروت را از دست داد و در همان زمان قحطی سختی در آن سرزمین رخ داد و او سخت دچار تنگدستی شد. ناچار رفت و خدمتکار یکی از ملاکین آن محل شد. آن شخص او را به مزرعه خود فرستاد تا خوکهایش را بچراند. او آرزو داشت شکم خود را با نواله هائی که خوکها میخوردند سیر کند بسیاری

ی اضافی دارند و من در اینجا نزدیک است که

از کرسنگی تلف شوم. من برمیخیزم و پیش پدر خود می روم و به او می گویم، پدر، من نسبت به خدا ونسبت به تو گناه کردم. دیگر لایق آن نیستم که پسر تو باشم. " پس برخاست و

رهسپار خانه پدر شد. هنوز تا خانه فاصله زیادی داشت که پدرش او را دید و دلش به حال او سوخت و به طرف او دوید، و او را در آغوش گرفت. "پدر، من نسبت به خدا و نسبت به

۱ پدر به نوکران

"زود بروید - بهترین قبا را بیاورید و به او بپوشانید. انگشتی به انگشتش و کفش به پاهایش کنید. گوسالهٔ پرواری را بیاورید و سر ببرید تا مجلس جشنی برپا کنیم، چون این پسر من مرده بود زنده شده و گم شده بود پیدا شده به این ترتیب جشن و سروری برپا کرد.

در این هنگام پسر بزرگتر در مزرعه بود و وقتی بازگشت، همین که به خانه نزدیک شد صدای آواز و موسیقی را شنید. یکی از نوکران را صدا "برادرت آمده و پدرت چون او

۱ پسر بزرگ دل

آزرده شد و بهیچ وجه نمی خواست به داخل خانه بیاید. پدرش بیرون "تو خوب می دانی

که من در این چند سال چطور مانند یک غلام به تو خدمت کرده ام و هیچ وقت از ی یک بزغاله هم به من ندادی تا با دوستان خود

۱ حالا که این پسرت پیدا شده، بعد از آنکه همهٔ ثروت ترا با

"پسرم، تو

همیشه با من هستی و هر چه من دارم مال توست. چطور می شود در این روز جشن نگیریم شادی نکنیم. این برادر توست که مرده بود زنده شده است و گم شده

(لوقا ۱۵:۱۱-۳۲).

منظور از بیان این سه داستان چنین است که بشر گناهکار راه خود را گم کرده است. بنی آدم از خدا فرسنگها دور شده است. خاندان بشر از راه مستقیم منحرف شده راه را گم کرده است. بشر به سه گروه تقسیم می‌شود: ل مثل گوسفند گمشده ای راه خود را پیش گرفته بی اراده در بیابانها سرگردان شده اند. مقصر خودشان بودند که از گله جدا شدند و به دلخواه خودشان به مزارع دور دست رهسپار شدند. بعد از آن نیز دا به گله ملحق شوند. بعضی اشخاص از خانه خدا دور می‌شوند و لازمست شخصی پی آنان برود و آنها را به راه راست عودت دهد.

و

ه شان

به چیزهای زودگذر دنیا است. اگر کسی دنبال آنها نرود و بیدارشان نکند، در خانه خدا گم شده به هلاکت خواهند رسید.

م مثل پسری که خانه پدر را ترک کرد با اراده خود از خانه

ت و خیر خواهی پدر خود

ات دنیوی نظر

ت و بدبختی به

خود آمده به یاد پدر و خانه خود می‌افتند، این افراد بی تأمل بسوی

خانواده و کاشانه خود باز می‌گردند. نتیجه توبه در هر سه مرحله برای

فرشتگان شادی و مسرت به ارمغان خواهد آورد.

ت می باشد.

ه ای است از خواست خداوند نسبت به شخص خطاکار. ما از خانه

د اینکه بازگشت

نمائیم خداوند حاضر است ما را به اصطلاح با ردا یا عبای ملوکانه

بپوشاند و انگشتری زرین به انگشت ما کند و در زمره ایمانداران محسوب

ت و شادی در سما خواهد بود.

امتحان درس بیست و هفتم

ت شفا یافتن بیماران در زمان مسیح در این دنیا چه بود؟

- ()
- ()
- ()

۲- کدام از امور زندگی شخص را از قدرت روحانی باز می دارند؟

- ()
- ()
- ()

۴ گمشده سبیل چه گروهی می باشد؟

- ()

از

- ()

ج- کسانی که بجای دور می روند بخود می آیند و توبه کرده

- ()

شهرستان و کد زیپ

نشانی

نام

جوابهایی صحیح. ۱=۱ \ ۲=۲ و ب و ج \ ۳=ب.